

اهداف، انگیزه‌ها و موانع توسعه کشاورزی ارگانیک در شهرستان روانسر

مرتضی اکبری^۱، سید علی بدری^۲، *مریم شامانیان^۳، سماء امینی^۴

۱. استادیار، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

۲. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

۴. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

(دریافت: ۱۳۹۶/۳/۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۳)

Objectives, Motivations and Barriers of Organic Agriculture Development in Ravansar City

Morteza Akbari¹, Seyyed Ali Badri², *Maryam Shamanian³, Sama Amini⁴

1. Assistant Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran

2. Associated Professor of Geography and Rural Planning, University of Tehran

3. Ph.D Student of Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University

4. M.A. in Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University

(Received: 27/05/2017 Accepted: 04/11/2018)

Abstract:

The purpose of this study is to examine the goals, motivation, barriers of organic farmers in Ravansar County, Kermanshah, Iran. This study was a descriptive-correlation research. The population of the study was organic farmers in Ravansar. Organic farmers were selected from a list of certified farmers obtained from Agriculture Organization. Among them, 51 organic farmers were selected based on a simple sample randomized method. Data analysis was done with SPSS software. The results showed that organic farmers have had the most importance for the health of food and short-term benefits. In order of preference, statement organic farming can assure world food production and organic products are healthier was the first priority, and in ecological statement organic farming can improve soil fertility and structure and economic statement organic farming can assure the future of a farm create motivation for organic farming. The most important barriers of organic farming like marketing and the lack of government support for these products, lack of required standards in order to confirm and supply of products to the market and lack of training and informing have mentioned in this context.

Keywords: Organic Farming, Sustainable Agriculture, Sustainable Development, Ravansar city.

چکیده:

هدف این پژوهش تحلیل اهداف و انگیزه‌های کشاورزان ارگانیک کار و موانع توسعه کشت ارگانیک در شهرستان روانسر بود، که به صورت پیمایشی به واکاوی دیدگاه گروه هدف پرداخته است. جامعه آماری تحقیق شامل کشاورزان ارگانیک کار غلات شهرستان روانسر هستند که تعداد ۵۱ کشاورز ارگانیک کار به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن است که کشاورزان ارگانیک کار بیشترین اهمیت را برای سلامت غذایی و نیز فواید کوتاه‌مدت آن قائل بوده‌اند و به ترتیب اولویت، ابتدا انگیزه‌های اجتماعی، سپس انگیزه‌های زیست‌محیطی و در نهایت انگیزه‌های اقتصادی و مادی برای کشاورزان ارگانیک کار ایجاد انگیزش می‌کنند. مهم‌ترین موانع کشت ارگانیک را در بازار رسانی و عدم حمایت دولت از این نوع محصولات، عدم وجود استانداردهای لازم جهت تأیید و عرضه این محصولات به بازار و عدم آموزش و اطلاع‌رسانی در این زمینه ذکر کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی ارگانیک، کشاورزی پایدار، توسعه پایدار، شهرستان روانسر.

مقدمه

کشاورزی یک عامل اقتصادی مهم در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است. در چند دهه اخیر، افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی همراه با نگرانی مردم در ارتباط با سلامت مواد غذایی، منجر به ایجاد سؤالاتی راجع به شیوه‌های کشاورزی مدرن شده است (Asadi et al., 2009). به سختی می‌توان گفت که چه تعداد از مردم کشورها به مسمومیت‌ها و پیامدهای ناشی از آفت‌کش‌ها و سایر مواد شیمیایی مورد استفاده در فعالیت‌های کشاورزی مبتلا می‌شوند (Akbari & Asadi, 2006). این امر در افزایش تقاضا برای محصولات ارگانیک انعکاس یافته است که خسارت کمتری به محیط‌زیست وارد می‌کند و از غذاهای رشد یافته متعارف سالم‌تر است (Akbari & Asadi, 2008). از این رو امروزه رویکرد جهانی به سمت کشاورزی ارگانیک است. کشاورزی ارگانیک به عنوان جنبش اجتماعی در مخالفت با جریان اصلی کشاورزی به وجود آمد که این جنبش نه تنها شامل تولیدکنندگان مواد غذایی، بلکه شامل مصرف‌کنندگان و طرفداران محیط‌زیست نیز می‌شود (Moschitz & Stolz., 2009). امروزه کشاورزی ارگانیک، به یک عنصر ضروری سیاست تأمین غذای ملی و فراملی در سراسر جهان تبدیل شده تا محصولات غذایی سالم و سازگار با محیط‌زیست را ترویج کند (Sauer & Park, 2009). هدف از کشاورزی ارگانیک، کمک به افزایش پایداری است.

کشاورزی ارگانیک یک سیستم مدیریت تولید یکپارچه است که سلامت کشاورزی اکوسیستم، از جمله تنوع زیستی، دوره‌های بیولوژیکی و فعالیت‌های بیولوژیکی خاک را ترویج می‌کند (Gomez & Thivant, 2015). دستیابی به اهداف توسعه کشاورزی ارگانیک نیاز به انطباق اختصاص یافته با اصول متنوع کشاورزی ارگانیک دارد. این اصول و مقررات به طبقه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دسته‌بندی می‌شوند.

علاوه بر این در دهه‌های اخیر، کشاورزی ارگانیک به عنوان یک باور گسترده بین مردم محبوب شده است، زیرا طبق تعریف ارائه شده توسط فدراسیون بین‌المللی جنبش‌های کشاورزی ارگانیک^۱ (IFOAM)، این کشاورزی بر اساس چهار اصل اساسی سلامت، محیط‌زیست، عدالت و مراقبت از

انسان‌ها و همچنین اکوسیستم بنا شده است (Jouzi et al., 2017). کشاورزی ارگانیک همچنین سبب حفظ مشاغل روستایی می‌شود (Federal Ministry of Food and Agriculture, 2017). این چندقابلیتی بودن کشاورزی ارگانیک مزایا و فرصت‌هایی را برای توسعه روستایی (به عنوان زیربنای توسعه ملی) فراهم می‌کند.

طی سالیان اخیر عوامل متعددی در تغییر نگرش کشاورزان به سمت کشاورزی ارگانیک نقش داشته‌اند. این مسائل شامل نگرانی‌های مرتبط با سلامت مواد غذایی، ناسازگاری با مواد شیمیایی، نگرانی‌های موجود در ارتباط با خاک، مسائل زیست‌محیطی، سلامتی و رفاه حیوانات، مخالفت‌های موجود با محصولات تولیدشده در کشاورزی متعارف و توسعه ساختاری، ایده‌های تفکر سیستمی و چالش‌های حرفه‌ای بودند که باعث جهت‌گیری‌های کشت ارگانیک شده است. بنابراین فعالیت‌های کشاورزی ارگانیک مرتبط با انگیزه و ادراکات کشاورزان، مشخصه‌های مزرعه، محیط اجتماعی محلی و زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی است، اما هنگامی که تمرکز بر روی عوامل تسهیل‌گر یا موانع کشاورزی ارگانیک در اجتماعات محلی است متغیرهای بالا باید در موارد زیر مورد بازنگری قرار گیرد. در ابتدا نیروهای سیاسی و اقتصادی جهت دهنده (بازارها و جایگزین‌ها)، که ممکن است اثر جغرافیایی خاص، مانند کمک‌های مالی که به کشاورزان کوچک می‌شود و یا تقریباً بازارهای شهری داشته باشند، مورد بازنگری قرار گیرد. ثانیاً بر کنشگران و افراد اجتماعی - فرهنگی، که تقویت‌کننده و یا بازدارنده ایده‌های نشر و دانش محلی که ممکن است نقش مهمی در این رابطه داشته باشند نیز توجه درخور مبذول شود (Padel, 2001). در این زمینه ایران از پتانسیل بالایی در تولید محصولات ارگانیک برخوردار است و باید از این پتانسیل به عنوان یک امتیاز در تولید محصولات ارگانیک استفاده شود. در کشور ما با توجه به شرایط خشک محیطی و فراوانی نیروی کار، تولید محصولات ارگانیک، اقتصادی‌تر و آسان‌تر از بسیاری از مناطق جهان به نظر می‌رسد (Papzan & Shiri, 2012). در ایران این جریان چند سالی است که شروع شده و نمونه‌ای از این طرح‌ها، طرح کشاورزی ارگانیک است که زیر نظر یک شرکت ژاپنی بنام جایکا^۲ در حال فعالیت است و در حال حاضر در استان‌های تهران، همدان، اردبیل و کرمانشاه

1. International Federation of Organic Agriculture Movements

2. Japan International Cooperation Agency

لاپل و کلی (۲۰۱۱)، کشاورزی ارگانیک را به عنوان راه-حلی برای مشکلات مربوط به کشاورزی متعارف مانند خسارت به تنوع زیستی، نگرانی رفاه و سلامت حیوانات، تولیدات مازاد یا امنیت غذایی، مطرح کرده‌اند. فدراسیون بین‌المللی کشاورزی ارگانیک نیز تعریف زیر را ارائه داده است: «کشاورزی ارگانیک یک سیستم تولیدی است که سلامت خاک، اکوسیستم و مردم را حفظ می‌کند و به‌جای استفاده از نهاده‌هایی با اثرات ناسازگار بر فرایندهای زیست‌محیطی، به تنوع زیستی و چرخه سازگار بر شرایط محلی متکی است» (Aoki, 2014). از تعاریف ارائه شده چنین بر می‌آید که معنای ارگانیک توسط بازیگران مختلف درگیر شامل مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، نظریه-پردازان و قوانین و مقررات شکل داده می‌شود (Seufert, 2017).

با وجود انواع تعاریف از کشاورزی ارگانیک، اجماع عمومی بر این است که آنچه برای تولید ارگانیک ضروری است در توافق کامل با ماهیت کشاورزی پایدار و توسعه پایدار قرار دارد. اهدافی که در ماهیت توسعه پایدار وجود دارد بسیار گسترده و قابل تأمل است. یکی از مصادیق رهیافت‌های پایدار، نظام کشاورزی ارگانیک است، زیرا در پی آن است تا جایی که امکان داشته باشد، از نهاده‌های بیرونی کمتری استفاده نماید.

در بین مطالعات انجام شده برای رسیدن به درک فرایند کشاورزی ارگانیک، نگرش زیست‌محیطی، اغلب به عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده برای اتخاذ کشاورزی ارگانیک در نظر گرفته شده است (Lapple & Rensburg, 2011). برخی دیگر از مطالعات، فرایند اتخاذ کشاورزی ارگانیک را با استفاده از تئوری‌های اقتصادی نشان داده‌اند. برای مثال پیتولیا (۲۰۰۱) مشوق‌های اقتصادی را به عنوان پاسخ کشاورزان در هنگام تبدیل شدن به کشاورزی ارگانیک بیان کرده‌اند. کومینف و ودسینک (۲۰۱۰)، کوشش برای دستیابی به جبران نیازمندی‌ها جهت تبدیل به کشاورزی ارگانیک را بیان کردند. دیگران رویکرد گسترده‌تری را با در نظر گرفتن فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌کنند (Lapple, 2010). این آثار تجربی نشان داد قیمت‌های خروجی، تغییرات سیاسی، مزرعه و عوامل ساختاری، مشخصه‌های فردی کشاورزان مانند سیستم‌های اطلاعاتی، همگی برای جذب کشاورزی ارگانیک مشارکت می‌کنند (Lapple & Kelley, 2013).

درحالی که رشد در کشاورزی ارگانیک یک هدف برای

انجام می‌شود. این طرح عموماً بر روی توصیه‌های عمومی تأکید می‌کند، البته در برخی موارد به توزیع کمپوست و کود حیوانی اقدام می‌شود. درباره دلیل گرایش به کشاورزی ارگانیک در ایران، شواهد موجود نشان می‌دهند که الگوی فعلی کشاورزی کشور نتوانسته است در تأمین امنیت غذایی و حفاظت از محیط‌زیست موفق باشد. این ادعا هرگز به معنای نفی تلاش‌های گسترده و مهمی نیست که برای توسعه بخش کشاورزی انجام شده و می‌شود، بلکه ضرورت تغییر الگوی فعلی به منظور تأمین امنیت غذایی و وضعیت بین‌المللی، با توجه به شرایط داخلی-به‌ویژه در شرایطی که توسعه صادرات محصولات کشاورزی به‌تدریج دشوارتر می‌شود، احساس می‌شود (Norouzi & Shahbazi, 2010). بنابراین با اعمال مشوق‌های مناسب باید در جهت توسعه هر چه بیشتر این نوع محصولات گام برداریم. از این‌رو محققان در این تحقیق تصمیم به بررسی نگرش‌ها و دیدگاه‌های کشاورزان، تحت نظارت کشت ارگانیک کردند و با هدف شناسایی اهداف، انگیزه‌ها، نگرش و موانع و مشکلات فراروی این نوع کشاورزان اقدام به تحقیق نمودند. لذا با توجه به اهمیت این موضوع هدف نوشتار حاضر بررسی ادراک و نگرش کشاورزان نسبت به کشت ارگانیک، تحلیل عوامل انگیزشی برای پذیرش کشت ارگانیک، تحلیل مسائل و مشکلات کشت ارگانیک از دیدگاه کشاورزان ارگانیک شهرستان روانسر در استان کرمانشاه است.

مبانی نظری

کشاورزی ارگانیک تقریباً در تمام کشورهای جهان انجام می‌شود و در بسیاری از کشورهای درحال توسعه نیز رو به افزایش است. پاورو و همکاران (۲۰۰۶)، دو نوع کشاورزی ارگانیک رسماً تأیید شده و کشاورزی ارگانیک غیررسمی را در کشورهای درحال توسعه تعریف می‌کنند. اولی به تمرکز بر روی صادرات محصولات ارگانیک تمایل دارد، درحالی که دومی شامل فعالیت‌های کوچک‌مقیاس برای بهبود معیشت کشاورزان فردی است.

تعاریف گوناگونی از کشاورزی ارگانیک وجود دارد. لامپکین (۱۹۹۴) کشاورزی ارگانیک را به‌عنوان نوعی کشاورزی معرفی می‌کند که سیستم‌های تولیدی پایدار و یکپارچه از نظر انسانی، محیط‌زیست و اقتصادی را ایجاد می‌کند.

همچنین بجزو خوگ، نسبت بالاتری از زنان در میان کشاورزان ارگانیک را تأیید کرده است.

کسلینگ و همکاران (۲۰۰۴)، عنوان کرده اند کشاورزان ارگانیک تمایل بیشتری به ریسک کردن و یادگیری چیزهای جدید دارند.

بورتون و همکاران (۲۰۰۳)، در مطالعاتشان نشان دادند که اندازه مزرعه از اهمیت چندانی برخوردار نیست. سایر فاکتورهایی که در پذیرش طرح‌های کشاورزی-محیطی تأثیرگذار بوده‌اند عواملی مانند آموزش، نگرش کشاورزان نسبت به محیط، منابع اطلاعاتی و موقعیت درآمدی مزرعه بوده است (Wilson, 1997, Burton 1999, McCann et al., 1997, Diederon, 2002).

همچنین مطالعات مختلفی نشان داده است که عوامل اقتصادی (در دسترس بودن جایگزین‌ها و قیمت مناسب) از عوامل مهم تغییر نگرش کشاورزان بوده‌اند. اگرچه قابلیت زیست‌پذیری اقتصادی در زمینه کشاورزی ضروری است، اما این عوامل به تنهایی در فرایند تصمیم‌گیری تأثیرگذار نیستند (Noe, 2006, Flaten et al., 2006).

میدمور و همکاران (۲۰۰۳) برخی از متغیرهای تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان به سمت کشاورزی ارگانیک را مانند اندازه مزرعه، نوع مزرعه، پیش‌زمینه اجتماعی، منطقه و زمانی که طی آن تغییر صورت می‌گیرد را مشخص کرده‌اند. مشخصه‌های مزرعه که روی تغییر تأثیر می‌گذارد، مانند نوع مزرعه، ممکن است علاوه بر عوامل فوق قبل از تغییر، بر فرایند تغییر در یک منطقه اثر بگذارند.

برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه موانع کشاورزی ارگانیک

با وجود مزایای فراوان، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که توسعه کشاورزی ارگانیک در جهان و همچنین در ایران با موانع و مشکلات بسیاری مواجه است که در ادامه به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌شود. محققان موانع کشت ارگانیک را ترس از خارج شدن و پذیرفته‌نشدن برخلاف جریان اجتماعی به عنوان مانعی بزرگ جهت تغییر می‌دانند، علاوه بر این تفکر سنتی که نسبت به کشاورزان ارگانیک به عنوان کشاورزان سرگرم وجود دارد یکی دیگر از این موانع است (Lampkin, 1994; Noe, 2006).

سیاستمداران است و نگرش و دیدگاه‌ها نسبت به کشاورزی ارگانیک مثبت است، اما نگرش به تنهایی کافی نیست و جنبش ارگانیک با معضلاتی مواجه است. از یک طرف می‌خواهد بازار غذاهای ارگانیک، زمین در دسترس و تعداد مصرف‌کنندگان را گسترش دهد. درحالی‌که از طرف دیگر جنبش ارگانیک می‌خواهد ارزش‌ها و ایدئولوژی را که کشاورزی ارگانیک بر اساس آن بنا شده است مانند تأکید بر دیدگاه‌های محلی در سیستم‌های غذایی را حفظ کند. برخی اندیشمندان از این بابت نگران هستند که رشد در تولید و بازاریابی غذاهای ارگانیک، ایدئولوژی‌های زیست‌محیطی که کشاورزی ارگانیک بر اساس آن بنا شده است را تضعیف می‌کند. این دیدگاه منعکس کننده اصول کشاورزی متعارف و فرضیات دوحالتی است (Flaten et al., 2006). اصول کشاورزی متعارف مانع توان بالقوه کشاورزی ارگانیک برای مقابله با قدرت کشت و صنعت و سوپرمارکت‌ها می‌شود. با این حال یک استراتژی مغایر و مقابله‌کننده ممکن است به سختی حفظ شود وقتی که بسیاری از حامیان کشاورزی غیرارگانیک به شبکه‌های غذای ارگانیک بپیوندند (Noe, 2006).

در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق اشاره می‌شود. برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه اهداف و انگیزه‌های کشاورزی ارگانیک به شرح زیر هستند:

اوکی (۲۰۱۴) انگیزه کشاورزان ارگانیک را شامل انگیزه‌های مرتبط با گسترش فعالیت‌های کشاورزی (دامپروری و امثال آن)، انگیزه‌های مالی، انگیزه‌های شخصی و سلامتی (سلامت خود و خانواده) و نگرانی‌های عمومی (کیفیت مواد غذایی، حفاظت از محیط‌زیست، توسعه روستایی) عنوان کرده است.

بجزو خوگ و بلکسون (۲۰۱۳)، اشاره کرده‌اند کشاورزان ارگانیک بیشتر نگران محیط‌زیست و منابع طبیعی هستند و به تولید غذاهای سالم از راه طبیعی گرایش دارند. همچنین کشاورزان ارگانیک بر این باورند که حیوانات در مزارع ارگانیک احساس رفاه بیشتری دارند و غذای ارگانیک، برای سلامتی انسان بهتر است.

در تحقیق دیگری بجزو خوگ (۲۰۰۶) بدین نتیجه رسیده است که کشاورزان ارگانیک به طور متوسط جوان‌ترند و تحصیلات بالاتری نسبت به کشاورزان غیر ارگانیک دارند.

ترویجی، فقدان حمایت کافی دولتی، موانع دانشی و پژوهشی در جهاد کشاورزی، پیچیدگی و موانع ترغیبی و راندمان پایین محصولات ارگانیک طبقه‌بندی شدند. پاپزن و شیر^۱ (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک، به موانع و مشکلات اصلی توسعه کشاورزی ارگانیک از دیدگاه کشاورزان پرداخته‌اند. از دیدگاه کشاورزان مورد مطالعه موانع و مشکلاتی مانند مسائل زیرساختی، مسائل اقتصادی، ضعف دانش و آگاهی کشاورزان، مسائل فنی و مدیریتی، مسائل حمایتی، موانع انگیزشی و و نگرشی در راه توسعه کشاورزی ارگانیک وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ ماهیت کمی، از نظر هدف کاربردی، از لحاظ درجه نظارت و کنترل میدانی و از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی است. از بین روش‌های تحقیق توصیفی نیز این تحقیق از روش همبستگی بهره برده است. از آنجاکه از نتایج تحقیق در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها در بخش اجرایی استفاده خواهد شد، لذا تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی می‌باشد. همچنین تحقیق حاضر را به دلیل استفاده از پرسش‌نامه می‌توان جزء تحقیق‌های پیمایشی نیز طبقه‌بندی کرد. جامعه آماری در تحقیق حاضر شامل کلیه کشاورزان ارگانیک کار بخش غلات شهرستان روانسر در استان کرمانشاه می‌باشند. نمونه مورد مطالعه در تحقیق حاضر تعداد ۵۱ نفر از کشاورزان ارگانیک بخش غلات شهرستان روانسر بوده است. این کشاورزان ارگانیک از طریق سازمان جهاد کشاورزی شهرستان روانسر به محققان معرفی شدند. با مراجعه حضوری، برای تک‌تک کشاورزان پرسش‌نامه تکمیل شد. از نظر جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر ابزار اصلی جمع‌آوری و اندازه‌گیری، پرسش‌نامه بوده است. برای تعیین اعتبار (روایی صوری) پرسش‌نامه از نظرات و پیشنهادهای استادان کشاورزی، محققان و کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی استفاده شد و پس از اصلاحات لازم بر روی پرسش‌نامه، اطمینان حاصل شد که سؤالات مطرح‌شده توانایی و قابلیت اندازه‌گیری محتوا و خصوصیات مورد نظر تحقیق حاضر را دارا می‌باشند. سپس پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. برای سنجیدن پایایی ابزار،

پادل و لامپکین (۱۹۹۴) عنوان کرده‌اند که فقدان آموزش‌های رسمی و غیررسمی یکی از موانع عمده در تغییر کشاورزی ارگانیک است. موانع نهادی مانند خدمات مشاوره‌ای کشاورزی متعارف که ممکن است برای کشاورزان غیرسودمند و ناهمخوان باشد، باعث می‌شود که آنها خدمات را نادیده گرفته و اطلاعات خود را از سایر منابع کسب نمایند.

رضوی و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی که با عنوان: "ارزیابی جایگاه توسعه کشاورزی ارگانیک در مناطق روستایی ایران مطالعه موردی: تولیدکنندگان محصولات ارگانیک گواهی شده و در حال گذار" انجام داده‌اند، نتیجه‌ای بدین شرح گرفته‌اند: میزان اثربخشی کشت ارگانیک در مناطق روستایی کشور در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی فقط در موارد خاصی بوده و گویای آن است که کشت ارگانیک تأثیرات یکپارچه و جامعی نداشته است و نیاز به حمایت و توجه بیشتر از سوی دولت و مسئولان دارد. همچنین نتایج تحقیق حاکی از آن است که با توجه به مراحل گذار به کشاورزی ارگانیک، شناخت کشاورزان از این مراحل کافی نیست و در زمینه توسعه کشت ارگانیک، چالش‌های فراوانی وجود دارد.

خالدی و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرایند تبدیل به کشاورزی ارگانیک با تأکید بر تجربه سایر کشورها نشان دادند که برخلاف اغلب روش‌ها و فناوری‌های تولید، عوامل اقتصادی به تنهایی نقشی اساسی در فرایند پذیرش و انتشار کشاورزی ارگانیک ندارند، بلکه برای توسعه کشاورزی ارگانیک لازم است نقش سایر عوامل مانند آگاهی و اطلاعات، گرایش‌ها و تمایلات فردی، مهارت‌های فنی تکنولوژیکی و مدیریتی، مسائل اجتماعی و عوامل نهادی مانند قوانین و مقررات بازارها و حمایت‌های دولتی مورد توجه جدی دولت‌ها و سیاست‌گذاران قرارگیرد.

یعقوبی و جوادی (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان موانع تولید محصولات ارگانیک از دیدگاه کارشناسان جهاد کشاورزی به بررسی موانع تولید محصولات ارگانیک در ایران پرداخته‌اند. مهم‌ترین موانع تولید محصولات ارگانیک در این پژوهش نبود دانش کافی در زمینه تولید محصولات ارگانیک در بین کشاورزان، نبود بازارهای مشخص برای فروش محصولات ارگانیک در استان، عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغ مؤثر در زمینه تولید و مصرف محصولات ارگانیک بودند. همچنین موانع تولید محصولات ارگانیک از دیدگاه کارشناسان به پنج دسته موانع

آن افزایش یافت که نتایج حاصل از ضریب آلفای کرونباخ به شرح زیر است (جدول ۱). آزمون آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که تا چه اندازه سؤال‌های آزمون توانایی دارد خصیصه واحدی را اندازه‌گیری کند. به طور کلی ضریب آلفای کرونباخ همسانی درونی یا ثبات درونی را ارزشیابی می‌کند.

پرسش‌نامه به وسیله یک تحقیق مقدماتی تعداد ۳۰ نسخه از آن تکمیل شد که پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSSwin و ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار داده شدند. در مواردی که مقدار آلفا قابل قبول نبود با حذف متغیرهایی که واریانس زیادی ایجاد کرده بودند، مقدار

جدول ۱. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر یک از بخش‌های پرسش‌نامه

مقدار آلفای کرونباخ قبل از حذف متغیرها	مقدار آلفای کرونباخ بعد از حذف متغیرها	تعداد متغیر حذف شده
۰/۹۰	۰/۹	-
۰/۷۷۷	۰/۸۱	۱
۰/۶۱	۰/۷۱	۲
۰/۸۵	۰/۸۵	-

جدول ۲. ایستارسنجی اجتماعی، اکولوژیکی و اقتصادی کشاورزان ارگانیک‌کار

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	ایستارسنجی کشاورزان ارگانیک‌کار در ابعاد مختلف
نگرش اجتماعی				
۱	۰/۱۸۶	۰/۸۳	۴/۴۷	کشاورزی ارگانیک می‌تواند سلامتی ما را تضمین کند
۲	۰/۲۱۴	۰/۹۳	۴/۳۵	محصولات کشاورزی ارگانیک در مقایسه با محصولات تولیدشده با موادشیمیایی سالم‌تر هستند
۳	۰/۲۲۶	۰/۹۶	۴/۲۴	کشاورزی ارگانیک با طبیعت و محیط زندگی ما سازگاری بیشتری دارد
۴	۰/۲۲۷	۱/۰۱	۴/۴۵	کشاورزی ارگانیک باعث پایداری و حاصلخیزی خاک می‌شود
۵	۰/۲۳۳	۰/۹۷	۴/۱۸	کشاورزی ارگانیک اثرات زیادی برای آسایش حیوانات دارد
۶	۰/۲۴۶	۱/۰۴	۴/۲۲	کشاورزی ارگانیک اثرات زیادی برای مزرعه دارد
۷	۰/۲۵۶	۱/۰۷	۴/۱۸	کشاورزی ارگانیک اثرات زیادی برای سلامتی حیوانات دارد
۸	۰/۲۵۷	۱/۰۸	۴/۲	کشاورزی ارگانیک باعث پیشرفت می‌شود
۹	۰/۲۶۱	۱/۱	۴/۲۲	کشاورزی ارگانیک کشاورزی برای نسل‌های آینده هم است و زمین و سرمایه ما حفظ می‌شود
۱۰	۰/۳۱۵	۱/۲۴	۳/۹۴	از کشاورزی ارگانیک نسبت به کشاورزی که با موادشیمیایی تولید می‌شود رضایت بیشتری دارم
نگرش اکولوژیکی				
۱	۰/۱۹۱	۰/۸۶	۴/۵۱	کشاورزی ارگانیک می‌تواند باعث بهبود خاک شود
۲	۰/۱۹۲	۰/۸۶	۴/۴۷	ما در برابر محیط‌زیست و از بین بردن مزرعه خودمان مسئول هستیم
۳	۰/۱۹۹	۰/۸۷	۴/۳۷	کشاورزی ارگانیک باعث حفظ تنوع گیاهی و جانوری می‌شود
۴	۰/۲۶۵	۱/۱۳	۴/۲۵	استفاده از موادشیمیایی برای سلامت انسان‌ها و حیوانات ضرر دارد
۵	۰/۲۶۶	۱/۰۸	۴/۰۶	کشاورزی ارگانیک می‌تواند از آلودگی آب‌های زیرزمینی جلوگیری کند
نگرش اقتصادی				
۱	۰/۲۳۱	۰/۹۳	۴/۰۲	کشاورزی ارگانیک می‌تواند کشاورزی را در آینده تضمین نماید
۲	۰/۳۳۹	۱/۲۹	۳/۹۲	کشاورزی ارگانیک می‌تواند درآمد را در مزرعه افزایش دهد
۳	۰/۳۳۰	۱/۳	۳/۹۴	کشاورزی ارگانیک هزینه‌های کمتری دارد در نتیجه باعث افزایش درآمد می‌شود

قالب طیف لیکرت در سه زیر مجموعه نگرش اجتماعی (۱۰)

به منظور ایستارسنجی کشاورزان ارگانیک‌کار تعداد ۱۸ متغیر در

از کشاورزان ارگانیک دارای نگرش مساعد و تنها ۱۴/۳ درصد (۷ نفر) دارای نگرش نامساعد بودند (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی کشاورزان ارگانیک بر اساس نگرش

نگرش	طبقه	فراوانی	درصد
نامساعد	۴۸-۶۲	۷	۱۴/۳
متوسط	۶۳-۷۶	۱۵	۳۰/۶
مساعد	۷۷ و بیشتر	۲۷	۵۵/۱

اولویت بندی اهداف و انگیزه های کشاورزان ارگانیک کار

نتایج نشان داد که از نظر کشاورزان ارگانیک کار در بعد اهداف، کشاورزی ارگانیک سالم تر است و اثرات مخرب کمتری بر محیط دارد و با این کار می خواهیم مزرعه را برای کشت محصولات بعدی حفظ نمایم در اولویت اول و با این کار می خواستیم اوقات بیکاری را در مزرعه سپری نمایم در اولویت آخر قرار داشتند. همچنین مهم ترین انگیزه های کشاورزان ارگانیک کار از اجرای فعالیت های کشاورزی ارگانیک اطمینان از سالم بودن محصولات ارگانیک و حفظ خاک مزرعه از بین رفتن بودند (جدول ۴).

اولویت بندی موانع و مشکلات کشاورزان ارگانیک کار

نتایج تحقیق نشان داد که مهم ترین مشکلات فراروی کشاورزان عبارت بودند از: دلالت و خریداران آن را به قیمت پایین تری خریداری می کنند (نگرشی)؛ دولت هیچ تعهدی در قبال محصولاتی که در اثر آفات از بین می روند ندارد، این نوع محصولات بیمه نیستند (تولیدی)؛ وسایل کافی برای حمل و نقل این نوع محصولات وجود ندارد (بازار و حمل و نقل) و نبود استانداردهای مشخص برای تولید این نوع محصولات (نهادی). همچنین متغیرهای علاقه و تمایل چندانی به کشت این نوع محصولات ندارم (نگرشی)؛ زمان لازم برای انجام کشت ارگانیک را ندارم و دانش و سواد کافی را برای انجام آن ندارم (تولیدی)؛ بازارهای مناسب برای خرید این محصولات کم است (بازار و حمل و نقل) و دولت هیچ گونه یارانه و پولی جهت حمایت از توسعه این محصولات نمی دهد (نهادی) در اولویت آخر قرار گرفتند (جدول ۵).

گویه، نگرش اکولوژیکی (۵ گویه) و نگرش اقتصادی (۳ گویه) اندازه گیری شدند. جهت سنجش اهداف (۷ گویه)، انگیزه ها (۶ گویه)؛ مسائل نگرشی (۳ گویه)، مشکلات تولیدی (۱۲ گویه)، مشکلات بازار و حمل و نقل (۳ گویه)، مشکلات نهادی (۳ گویه)؛ در قالب طیف کاملاً موافقم (۵) ... کاملاً مخالفم (۱) ارزیابی شدند که با توجه به این مسئله که برخی گویه ها منفی بودند در زمان تجزیه و تحلیل داده ها تغییر کد داده شدند. در این تحقیق پس از جمع آوری و دسته بندی داده ها از آمار توصیفی و استنباطی برای تحلیل متغیرها استفاده شده است که در ذیل به ویژگی های هر یک از آنها پرداخته می شود.

یافته های پژوهش

در این قسمت با توجه به روش های تحلیل داده ها که در بخش روش شناسی بدان پرداخته شد، در ابتدا توصیفی از نگرش و اهداف کشاورزان ارگانیک کار ارائه شده و سپس نگرش ها و مشکلاتی که در کشاورزی ارگانیک با آن مواجه اند مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

ایستارسنجی کشاورزان ارگانیک کار

نتایج تحقیق (جدول ۲) نشان داد که متغیرهای «کشاورزی ارگانیک می تواند سلامتی ما را تضمین کند»، «محصولات تولید شده از کشاورزی ارگانیک در مقایسه با محصولات تولید شده با مواد شیمیایی سالم تر هستند» (اجتماعی)؛ «کشاورزی ارگانیک می تواند باعث بهبود خاک شود»، «ما در برابر محیط زیست و از بین بردن مزرعه خودمان مسئول هستیم» (اکولوژیکی) و «کشاورزی ارگانیک می تواند کشاورزی را در آینده تضمین نماید» (اقتصادی) اولویت های اول را به خود اختصاص دادند و متغیرهای «از کشاورزی ارگانیک نسبت به کشاورزی که با مواد شیمیایی تولید می شود رضایت بیشتری دارم»، «کشاورزی ارگانیک کشاورزی برای نسل های آینده هم است»، «زمین و سرمایه ما حفظ می شود» (اجتماعی)؛ «کشاورزی ارگانیک می تواند از آلودگی آب های زیرزمینی جلوگیری کند»، «استفاده از مواد شیمیایی برای سلامت انسان ها و حیوانات ضرر دارد» (اکولوژیکی) و «کشاورزی ارگانیک هزینه های کمتری دارد در نتیجه باعث افزایش درآمد می شود» (اقتصادی) اولویت های آخر را به خود اختصاص دادند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که ۵۵/۱ درصد (۲۷ نفر)

جدول ۴. اولویت‌بندی اهداف و انگیزه‌های کشاورزان ارگانیک‌کار از کشاورزی ارگانیک

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	اهداف و انگیزه‌های کشت ارگانیک
اهداف				
۱	۰/۲۰	۰/۸۷	۴/۳۹	کشاورزی ارگانیک سالم‌تر است و اثرات مخرب کمتری بر محیط دارد
۲	۰/۲۰	۰/۸۶	۴/۲	با این کار می‌خواهم مزرعه را برای کشت محصولات بعدی حفظ نمایم
۳	۰/۲۲	۰/۹۶	۴/۲۷	محصولاتی با کیفیت بالاتر تولید می‌نماید
۴	۰/۲۳	۰/۹۸	۴/۲	کشاورزی ارگانیک باعث پایداری تولید می‌شود
۵	۰/۲۷	۱/۱۴	۴/۲۴	نمی‌خواهم محصولی تولید نمایم که باعث بیماری مردم شود
۶	۰/۳۷	۱/۳۹	۳/۷۳	هدف من بیشتر انگیزه مادی در کسب سود بیشتر بوده است
۷	۰/۴۷	۱/۳۹	۲/۹۸	با این کار می‌خواستم اوقات بیکاری را در مزرعه سپری نمایم
انگیزه				
۱	۰/۲۲	۰/۹۵	۴/۲۴	اطمینان از سالم‌بودن محصولات ارگانیک
۲	۰/۲۲	۰/۹۴	۴/۲۷	حفظ خاک مزرعه از بین‌رفتن
۳	۰/۲۴	۱/۰۶	۴/۳۶	حفظ و سلامت محیط‌زیست
۴	۰/۲۶	۱/۰۲	۳/۸۶	هزینه‌های کمتری نسبت به کشاورزی معمولی
۵	۰/۳	۱/۱۶	۳/۹۲	انگیزه سود بیشتر
۶	۰/۳۱	۱/۱۷	۳/۷۸	قیمت بالای محصولات تولیدشده نسبت به محصولات عادی

جدول ۵. اولویت‌بندی موانع و مشکلات کشاورزی ارگانیک از دیدگاه کشاورزان ارگانیک‌کار

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	موانع و مشکلات کشت ارگانیک
نگرشی				
۱	۰/۴۸	۱/۴۳	۲/۹۶	دلالت و خریداران آن را به قیمت پایین‌تری خریداری می‌کنند
۲	۰/۴۹	۱/۴۹	۳/۰۲	مردم حاضر به پرداخت پول بیشتر برای این نوع محصولات نیستند
۳	۰/۵۳	۱/۳۹	۲/۶	علاقه و تمایل چندانی به کشت این نوع محصولات ندارم
تولیدی				
۱	۰/۳۷	۱/۲۴	۳/۳۱	دولت هیچ تعهدی در قبال محصولاتی که در اثر آفات از بین می‌روند ندارد
۲	۰/۳۸	۱/۲۱	۳/۱۸	این نوع محصولات بیمه نیستند
۳	۰/۳۸	۱/۳	۳/۳۷	دولت حمایت چندانی از این نوع محصولات نمی‌کند
۴	۰/۴	۱/۳۶	۳/۳۹	کشاورزان خرده‌پا مانند ما سرمایه کمی برای تولید دارند
۵	۰/۴۲	۱/۴۱	۳/۳۱	تحقیقات و مطالعات کمی در این زمینه صورت گرفته است
۶	۰/۴۳	۱/۴۴	۳/۳۳	نهاده‌های موردنیاز در دسترس نیست
۷	۰/۵	۱/۳۸	۲/۷۶	نمی‌دانم چگونه آن را کشت کنم
۸	۰/۵۳	۱/۳۶	۲/۵۴	شرایط آب و هوایی اجازه کشت این نوع محصولات را نمی‌دهد
۹	۰/۵۵	۱/۴۸	۲/۶۹	مزرعه و خاک آن اجازه کشت را نمی‌دهد و حتماً باید از کودها و سموم شیمیایی استفاده نمایم
۱۰	۰/۵۸	۱/۶۱	۲/۸	سرمایه لازم برای این نوع کشت را در اختیار ندارم چون ضرر می‌کنم
۱۱	۰/۵۹	۱/۴۵	۲/۴۷	زمان لازم برای انجام کشت ارگانیک را ندارم
۱۲	۰/۶۳	۱/۵۵	۲/۴۷	دانش و سواد کافی را برای انجام آن ندارم
بازار و حمل و نقل				
۱	۰/۴۵	۱/۴۶	۳/۲	وسایل کافی برای حمل و نقل این نوع محصولات وجود ندارد
۲	۰/۴۸	۱/۵۳	۳/۲۱	مکان‌های مناسب برای ذخیره این نوع محصولات وجود ندارد
۳	۰/۵۳	۱/۶۴	۳/۱۲	بازارهای مناسب برای خرید این محصولات کم است
مشکلات نهادی				
۱	۰/۳۸	۱/۳۴	۳/۵۳	نبود استانداردهای مشخص برای تولید این نوع محصولات
۲	۰/۴۰	۱/۳۱	۳/۲۹	نبود نهاد و سازمانی که ارگانیک‌بودن این محصول را تأیید نماید
۳	۰/۴۱	۱/۴۱	۳/۴۱	دولت هیچ‌گونه یارانه و پولی جهت حمایت از توسعه این محصولات نمی‌دهد

اجازه می‌دهد تا به آزمون این فرضیه که بین متغیرهای آشکار و سازه‌های نهفته رابطه وجود دارد را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به حجم پایین نمونه از روش تحلیل عاملی تأییدی به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) و نرم افزار Smart PLS استفاده شد.

اینکه بار عاملی باید چه مقدار باشد تا چشمگیر تلقی شود تا حدودی اختیاری است. به طور کلی در نظر گرفتن ملاک [حداقل] ۰/۳ به عنوان بار چشمگیر، رهنمودی عاقلانه است. در این پژوهش حداقل مقدار بار عاملی، مقدار حداقل ۰/۳ تعیین شد و سوالاتی که بارعاملی بالای ۰/۳ داشتند در تحلیل باقی ماندند.

برای سنجش پایایی علاوه بر آلفای کرونباخ از روش پایایی ترکیبی نیز استفاده شد. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی بیشتر از ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد. از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) جهت بررسی اعتبار همگرا استفاده شد. مقدار این شاخص بین ۰ تا ۱ است و مقادیر بالاتر این شاخص نشان از اعتبار همگرایی سازه مورد نظر دارد.

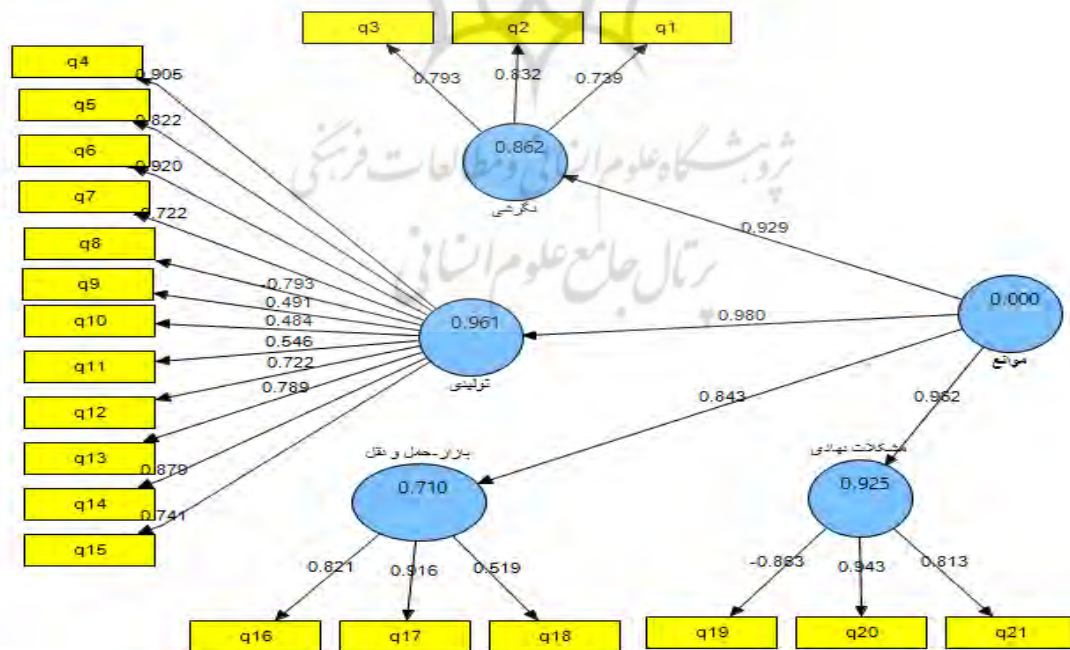
نتایج حاصل از توزیع فراوانی کشاورزان نشان می‌دهد که ۴۸/۸ درصد از آنها مسائل مشکلات را در سطح متوسط و ۴۲/۶ درصد از آنها نیز مسائل و مشکلات را در سطح زیاد عنوان کرده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶. توزیع فراوانی کشاورزان ارگانیک بر اساس مسائل و مشکلات

مشکلات			
مسائل و مشکلات	طبقه	فراوانی	درصد
پایین	۱۹-۳۸	۵	۱۰/۶
متوسط	۳۹-۵۷	۲۲	۴۶/۸
زیاد	۵۸-۷۶	۲۰	۴۲/۶

تحلیل عاملی مشکلات کشاورزی ارگانیک

از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی جهت بررسی اعتبار سازه پرسش‌نامه استفاده شد. تحلیل عاملی به منظور سنجش اعتماد یا پایایی و اعتبار یا روایی مقیاسهای اندازه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحلیل عاملی تأییدی محقق مطالعه خود را بر مبنای ساختار عاملی از پیش تعیین شده دنبال می‌کند و درصدد است تا صحت و سقم ساختار عاملی مجموعه‌ای از متغیرهای مشاهده شده را مورد آزمون قرار دهد. این تکنیک به محقق



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری مقیاس موانع توسعه کشاورزی ارگانیک در حالت ضرایب استاندارد (بار عاملی)

موانع نگرشی به دست آمده است که نشان می‌دهد میزان پایایی ترکیبی برای تمام مولفه‌ها بیشتر از مقدار ۰/۷ است که نشان از تأیید پایایی این متغیرها دارد. میانگین واریانس استخراج شده که اعتبار همگرایی هر مقیاس را می‌سنجد، از حداقل ۰/۵۶ برای مؤلفه موانع تولیدی تا حداکثر ۰/۷۶ برای مؤلفه مشکلات نهادی به دست آمده است که در کل مقادیر قابل قبولی و مناسبی برای اعتبار همگراست. در مجموع نتایج نشان از پایایی و اعتبار مقیاس موانع توسعه کشاورزی ارگانیک دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه که در بخش یافته‌ها ارائه گردید می‌توان نتایج ذیل را حاصل نموده و بر مبنای نتایج مزبور پیشنهادهای عملی و کاربردی مشروح زیر را مدنظر قرار داد. با توجه به یافته‌های تحقیق در بخش ایستارسنجی کشاورزان ارگانیک می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کشاورزان در بعد اجتماعی کشاورزی ارگانیک بیشتر بر سلامت غذایی آن تأکید داشته و تأثیرات بلندمدت اجتماعی آن از جمله فواید آن برای نسل‌های آینده اولویت پایین‌تری برای آنان داشته است. از سوی دیگر اطلاعات همین جدول بیانگر آن است که کشاورزان ارگانیک نمره پایین‌تری (با توجه به میانگین به دست آمده) به متغیرهای بعد اقتصادی داده‌اند و بر این اساس می‌توان گفت که سیاست‌ها و مشوق‌های اقتصادی جهت حرکت به سمت کشاورزی ارگانیک متأسفانه هنوز در کشور وجود ندارد. با توجه به نقش با اهمیتی که کشاورزی ارگانیک در تأمین سلامت جسم و ذهن افراد ایفا می‌کند، بنابراین هم به نفع دولت و هم به نفع جامعه و مردم است که به گسترش این کشاورزی یاری رسانند، زیرا هزینه‌هایی که افراد بابت درمان بیماری‌های ناشی از غذاهای ناسالم می‌پردازند چه بسا بسیار بیشتر از خرید محصولات ارگانیک و سالم است و هزینه‌های گزافی را هم به دولت و هم به افراد جامعه تحمیل می‌کند. این مسئولیت برعهده سیاستگذاران بخش کشاورزی و نیز بخش بهداشت و درمان جامعه می‌باشد، چراکه با توجه به ماهیت کشاورزی ارگانیک، ریسک بالای تولید این نوع محصولات می‌تواند در کوتاه‌مدت، کشاورز را دچار مشکلاتی کند که در صورت نبود مشوق‌ها و حمایت‌های لازم بسیاری از کشاورزان مجبور به روی آوردن به محصولات غیرارگانیک جهت تأمین نیازهای

شکل ۱ مدل تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم مقیاس موانع توسعه کشاورزی ارگانیک را در حالت بار عاملی (ضرایب استاندارد شده) نشان می‌دهد و نتایج در جدول ۷ به همراه پایایی ترکیبی و مقدار میانگین واریانس استخراج شده آمده است.

جدول ۷. مقادیر بار عاملی، میانگین واریانس استخراج شده و پایایی ترکیبی مقیاس موانع توسعه کشاورزی ارگانیک

ابعاد	شماره سوال	ضریب استاندارد (بار عاملی)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	پایایی ترکیبی
موانع نگرشی	۱	۰/۷۴	۰/۶۲	۰/۸۳
	۲	۰/۸۳		
	۳	۰/۷۹		
	۴	۰/۹۰		
	۵	۰/۸۲		
	۶	۰/۹۲		
موانع تولیدی	۷	۰/۷۲	۰/۵۶	۰/۷۵
	۸	۰/۷۹		
	۹	۰/۴۹		
	۱۰	۰/۴۸		
	۱۱	۰/۵۵		
	۱۲	۰/۷۲		
	۱۳	۰/۷۹		
	۱۴	۰/۸۸		
	۱۵	۰/۷۴		
	۱۶	۰/۸۲		
موانع بازار و حمل و نقل	۱۷	۰/۹۲	۰/۵۹	۰/۸۱
	۱۸	۰/۵۲		
مشکلات نهادی	۱۹	۰/۸۶	۰/۷۶	۰/۷۳
	۲۰	۰/۹۴		
	۲۱	۰/۸۱		

توجه: تمامی بارهای عاملی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار هستند ($P < 0.05$)

نتایج نشان می‌دهد با توجه به مقدار بارهای عاملی به دست آمده برای تمامی مولفه‌های موانع توسعه کشاورزی ارگانیک (نگرشی، تولیدی، بازار حمل‌ونقل و مشکلات نهادی) که بیشتر از ۰/۳ است و در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۵۰ ($P < 0.05$) قرار دارند، نتیجه می‌گیریم که اعتبار سازه تمامی مؤلفه‌ها تأیید می‌شود. مقدار پایایی ترکیبی از حداقل ۰/۷۳ برای مؤلفه مشکلات نهادی تا حداکثر ۰/۸۳ و برای مؤلفه

مالی خود خواهند بود. در بخش اهداف و انگیزه‌های کشاورزان نیز ملاحظه می‌گردد که به ترتیب اولویت، ابتدا انگیزه‌های اجتماعی، سپس انگیزه‌های زیست‌محیطی و در نهایت انگیزه‌های اقتصادی و مادی برای کشاورزان ارگانیک کار ایجاد انگیزش می‌کنند که این موضوع بر اهمیت ایجاد و گسترش مشوق‌های حمایتی دولت می‌افزاید. در اولویت‌بندی موانع و مشکلات کشاورزی ارگانیک از دیدگاه کشاورزان همان‌طور که در یافته‌های تحقیق عنوان شد می‌توان براساس مهم‌ترین مشکلاتی که مورد تأکید کشاورزان مزبور بوده است با حذف واسطه‌ها و تأمین عوامل زیربنایی و نهادی لازم از جمله بیمه این نوع محصولات و استانداردسازی و تأیید محصول ارائه‌شده از سوی کشاورز جهت ارائه به بازارها و قیمت‌گذاری مناسب آنها مشکلات مختلف تولیدی و بازررسانی را در کشاورزی ارگانیک به میزان قابل توجهی کاهش دهد. همچنین از نتایج چنین برمی‌آید که مهم‌ترین مانع در توسعه کشاورزی ارگانیک در این مطالعه، مشکلات بازررسانی می‌باشد.

بنابراین با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، جهت گسترش هرچه بیشتر کشاورزی ارگانیک و کاهش موانع و مشکلات کشاورزی ارگانیک، پیشنهادات کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

- با توجه به اینکه آمار و اطلاعات مدون در مورد زراعت ارگانیک در ایران وجود نداشته یا بسیار اندک است، بنابراین جمع‌آوری آمار و اطلاعات و ساماندهی اطلاعات پراکنده موجود، می‌تواند اولین گام در جهت ارائه راه‌کارهای لازم در زمینه کشاورزی ارگانیک باشد؛

- دولت وارد عمل شود و با اعمال سیاست‌های مناسب جهت بازاریابی (با استفاده از تبلیغات رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی همگانی)، تأمین حمایت‌ها و اهرم‌های مالی مورد نیاز (شامل بیمه این محصولات، ارائه وام‌های با بهره کم و تعیین قیمت‌های تضمینی محصول و ارائه خدمات مشاوره‌ای مورد نیاز) و تدارک زیربنای لازم (از جمله سردخانه‌ها و انبارهای مناسب در مناطق روستایی) به یاری این دسته از تولیدکنندگان مواد غذایی سالم و پایدار بشتابد؛

- تقویت و ساماندهی نهادهای غیردولتی برای ترویج و گسترش کشاورزی ارگانیک؛

- کمیته‌های فنی ده‌گانه در وزارت جهاد کشاورزی با ارائه برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نسبت به طراحی و اجرای پروژه‌های عملیاتی خود به‌ویژه در زمینه کشت ارگانیک با زمان‌بندی مشخص اقدام نمایند؛

- اطلاع‌رسانی در مورد اهداف و پیامدهای بلندمدت کشاورزی ارگانیک بر محیط مزرعه و نیز سلامت اکوسیستم از طریق رسانه‌های ترویجی و نیز رسانه‌های ارتباط جمعی در دستور کار مسئولین سازمان‌های مربوطه از جمله وزارت جهاد کشاورزی و غیره قرار گیرد؛

- سایر عوامل استخراج شده نشان می‌دهند که اطلاع‌رسانی و آموزش کافی در زمینه کشت‌های ارگانیک صورت نگرفته و لازم است که با تشکیل کلاس‌های آموزشی ترویجی و مهارت

مالی خود خواهند بود. در بخش اهداف و انگیزه‌های کشاورزان نیز ملاحظه می‌گردد که به ترتیب اولویت، ابتدا انگیزه‌های اجتماعی، سپس انگیزه‌های زیست‌محیطی و در نهایت انگیزه‌های اقتصادی و مادی برای کشاورزان ارگانیک کار ایجاد انگیزش می‌کنند که این موضوع بر اهمیت ایجاد و گسترش مشوق‌های حمایتی دولت می‌افزاید. در اولویت‌بندی موانع و مشکلات کشاورزی ارگانیک از دیدگاه کشاورزان همان‌طور که در یافته‌های تحقیق عنوان شد می‌توان براساس مهم‌ترین مشکلاتی که مورد تأکید کشاورزان مزبور بوده است با حذف واسطه‌ها و تأمین عوامل زیربنایی و نهادی لازم از جمله بیمه این نوع محصولات و استانداردسازی و تأیید محصول ارائه‌شده از سوی کشاورز جهت ارائه به بازارها و قیمت‌گذاری مناسب آنها مشکلات مختلف تولیدی و بازررسانی را در کشاورزی ارگانیک به میزان قابل توجهی کاهش دهد. همچنین از نتایج چنین برمی‌آید که مهم‌ترین مانع در توسعه کشاورزی ارگانیک در این مطالعه، مشکلات بازررسانی می‌باشد.

آنچنان که از مقایسه پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور با پژوهش حاضر برمی‌آید چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور در زمینه اهداف و انگیزه‌های کشاورزی ارگانیک انگیزه اقتصادی و مالی نسبت به سایر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار است و همچنین کشاورزان ارگانیک تمایل بیشتری به ریسک کردن دارند و تعداد زنان نیز زیاد است (Aoki, 2014; Bjrkhaug & Bleksaune, 2013; Bjrkhaug, 2006).

در صورتی که در پژوهش حاضر انگیزه اقتصادی نسبت به سایر عوامل از جمله اجتماعی و زیست‌محیطی از اهمیت کمتری برخوردار است. در مورد مقایسه پژوهش‌های انجام شده در زمینه موانع و مشکلات کشاورزی ارگانیک محققانی از جمله (Padel et al., 1994; Lampkin, 1993; Noe, 2006) مهم‌ترین موانع را موانع اجتماعی از قبیل تفکر سنتی و پذیرفته نشدن برخلاف جریان اجتماعی، فقدان آموزش‌های رسمی و خدمات مشاوره‌ای مورد نیاز برای کشت ارگانیک عنوان کرده‌اند. در صورتی که در پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور مهم‌ترین موانع کشاورزی ارگانیک را مسائل زیرساختی، مسائل اقتصادی، ضعف دانش و آگاهی کشاورزان، مسائل فنی و مدیریتی، مسائل حمایتی (Papzan, Razavi et al., 2015; Khaledi et al., 2012; Yaghoubi, & Shiri, 2012;

از متکی بودن به نهاده‌های جانبی بخصوص کودهای شیمیایی و سموم از طریق استفاده از کارشناسان کشاورزی به‌عنوان مشاورین مزرعه و همچنین گسترش برنامه‌های آموزشی از طریق صدا و سیما، جراید و نصب بروشورهای تبلیغاتی در نهاده‌های ذیربط.

آموزی کشاورزان در این زمینه، دانش و تکنیک‌های لازم به کشاورزان ارائه گردد؛ بدیهی است در این مسیر انجام تحقیقات وسیع و گسترده و استفاده از دانش روزآمد و روش‌های جدید می‌تواند بسیار موثر باشد؛

همچنین افزایش دانش فنی و اطلاعات عمومی کشاورزان در زمینه مزایای کشاورزی ارگانیک و عواقب ناشی

References

- Akbari, M. & Asadi, A. (2006). "Challenges of modern Agriculture in environment, Soil". *Environment and sustainable Development conference*, Karaj, Tehran, Iran. 8-9 novamber. [In Persian]
- Akbari, M. & Asadi, A. (2008). "A Comparative Study of Iranian Consumers' Versus Extension Experts' Attitude towards Agricultural Organic Products (AOP)". *American Journal of Agricultural and Biological Sciences* 3 (3), 551-558. [In Persian]
- Aoki, M. (2014). "Motivations for organic farming in tourist regions: a case study in Nepal". *Environment, development and sustainability*, 16(1), 181-193.
- Asadi, A. Akbari, M. Sharifzadeh, A. & Hashemi, M. (2009). "Analysis of Factors Affecting Agricultural Organic Products Diffusion Among Consumers: Perception of Extension Workers". *World Applied Sciences Journal* 6 (3), 331-338. [In Persian].
- Bjrkhaug, H. (2006). "Is there a female principle in organic farming? An interpretation of data for Norway". In: Holt, G.C., Reed, M. (Eds.), *Sociological Perspectives of Organic Agriculture: from Pioneer to Policy*. CABI, Wallingford, 195° 209.
- Bjrkhaug, H. & Blekesaune, A. (2013). "Development of organic farming in Norway: A statistical analysis of neighbourhood effects". *Geoforum*, 45, 201-210.
- Burton, M., Rigby, D. & Trecor, Y. (2003). "Modeling the adoption of organic horticultural technology in the UK using duration analysis". *Aust. J Agric. Resour. Econ.* 47, 29° 54.
- Darnhofer, I. (2005). "Organic farming and rural development". Some evidence from Austria. *Sociologia Ruralis*, 45(4), 308° 323.
- Federal Ministry of Food and Agriculture (2017), "Report of BMEL". 1-22.
- Flaten, O. Lien, G. Ebbesvik, M. Koesling, M & Valle, P. (2006). "Do the new organic producers differ from the old guard? Empirical results from Norwegian dairy farming". *Renewable Agriculture and Food Systems*, 21 (3), 174° 182.
- Gomez I. & Thivant, L. (2015). "Training Manual for Organic Agriculture". *Magazine of Food and Agriculture organization Of the United Nations*. 1-104.
- Hamilton, S & Fischer, E. (2003). "Non-traditional agricultural exports in highland Guatemala: Understandings of risk and perceptions of change". *Latin American Research Review*, 38(3), 82° 110.
- Jouzi, Z. Azadi, H. Taheri, F. Zarafshani, K. Gebrehiwot, K. Van Passel, S. & Lebailly, P. (2017). "Organic Farming and Small-Scale Farmers: Main Opportunities and Challenges". *Ecological Economics*, 132, 144-154.
- Khaledi, M. Sadeghi, E. & Amjadi, A. (2012). "Effective factors in converting process to organic farming, based on countries experiences". *The first national conference on Organic Farming. Mohagheghe-Ardebili University*.
<http://www.civilica.com/Paper->

- NCOCA01-NCOCA01_062.html. [In Persian]
- Koesling, M. Ebbesvik, M. Lien, G. Flaten, O. Valle, P. S. & Arntzen, H. (2004). "Risk and risk management in organic and conventional cash crop farming in Norway". *Food Economics-Acta Agriculturae Scandinavica, Section C*, 1(4), 195-206.
- Kuminoff, N.V. and Wossink, A. (2010). "Why Isn't More US Farmland Organic?". *Journal of Agricultural Economics*, 61(2), 240-258.
- Lampkin, N. (1994). "Organic farming: sustainable agriculture in practice". In N. Lampkin & S. Padel (Eds.), *The economics of organic farming*. An international perspective. Oxford: CABI.
- Lampkin, N. & Padel, S. (1994). "The Economics of Organic Farming". *An International Perspective*. CAB International, Oxford. (3), 697-714.
- Lapple, D. & Kelley, H. (2013). "Understanding the uptake of organic farming: Accounting for heterogeneities among Irish farmers". *Ecological Economics*, 88, 11-19.
- Lapple, D. & Rensburg, T. (2011). "Adoption of organic farming: Are there differences between early and late adoption?". *Ecological Economics* 70, 1406-1414.
- Midmore, P. (2003). "The development and use of rapid assessment methods in ex-ante and ex-post evaluations of policy initiatives in the rural economy". In: *Agricultural Economics Society Annual Conference*, Seale Hayne Campus, Plymouth University.
- Moschitz, H. & Stolz, M. (2009). "Organic farming policy networks in Europe: Context, actors and variation". *Food Policy* 34, 258-264.
- Noe, E. (2006). "The paradox of diffusion of organic farming: a case study in Denmark". In: Holt, G.C., Reed, M. (Eds.), *Sociological Perspectives of Organic Agriculture: from Pioneer to Policy*. CABI, Wallingford, 210-226.
- Norouzi, A. & Shahbazi, E. (2010). "The role of extension education in development of organic agriculture in Iranian villages". *Journal of Rural Development*. 2(2), 1-22. [In Persian].
- Padel, S. & Lampkin, N. (1994). "Conversion to organic farming: an overview". In: Lampkin, N., Padel, Susanne, (Eds.), *The Economics of Organic Farming: An International Perspective*. CAB International, Wallingford, 295-313
- Padel, S. (2001). "Conversion to organic farming: a typical example of the diffusion of an innovation?". *Sociologia Ruralis*, 41, 40-61.
- Papzan, A. & Shiri, N. (2012). "Study of Barriers toward Development of Organic Farming". *Journal of Environment Economy and Rural development*. 1 (1), 113-126. [In Persian]
- Parror, N. Olesen, J. & Høgh-Jensen, H. (2006). "Certified and non-certified organic farming in the developing world". *Global Development of Organic Agriculture: Challenges And Promises* (pp. 154-176). Wallingford: CABI Publishing
- Pietola, K. & Oude Lansink, A. (2001). "Farmer response to policies promoting organic farming technologies in Finland". *European Review of Agricultural Economics*, 28 (1), 1-15.
- Razavi, S.H., Pourtaheri, M. and Roknealdin Eftekhari, A.R. (2015). "Evaluation of organic agriculture development place in rural areas, case study: producers of in-transition and certified products". *Journal of rural research*, 6(1), 27-45. [In Persian]
- Sauer, J. & Park, T. (2009). "Organic farming in Scandinavia". *Productivity and market exit, Ecological Economics*, 68, 2243-2254.

Seufert, V. Ramankutty, N. & Mayerhofer, W. (2017). "What is this thing called organic? ° How organic farming is codified in regulations". *Food Policy*, 68, 10-20.

Organic production from view point of Agricultural Experts". *Journal of Sustainable Agriculture and Production Science*. 24 (1). 57-68. [In Persian].

Yaghoubi, J. & Javadi, A. (2014). "Barriers of

